برآورد ظرفيت مالياتي استان اردبيل[1]

حكمت نوراللهي*

از آنجايي كه امروزه دولتها علاوه بر ايفاي نقش سنتي خود مبني بر تأمين امنيـت داخلـي و خارجي، داراي نقش و وظايف عمده‌اي در راستاي نيل به رفاه اجتماعي مي‌باشند و از طرف ديگر نيز مالياتها علاوه بر اينكه به عنوان منبع اصلي تأمين مالي نيازهـاي دولتـي هسـتند، بـه عنوان ابزار اصلي جهت سياستهاي مالي و تأمين عدالت اجتمـاعي مـورد اسـتفاده گسـترده دولتها قرار مي‌گيرند، ضروري مي‌نمايد كه دولتها به طور مستمر در تصحيح و تقويـت نظـام مالياتي كوشا باشند. به همين منظور در اين نوشتار، نسبت به برآورد ظرفيت ماليـاتي بـالقوه استان اردبيل اقدام شده است. با توجه به موضوع تحقيق و همچنـين محـدوديتهايي كـه در زمينه آمار و اطلاعات لازم وجـود داشـته، از طريـق مطالعـات كتابخانـه‌اي و بـا اسـتفاده از ابزارهاي نظري و كاربردي و تكنيكهاي اقتصادسنجي و همچنين آخرين آمار و ارقام موجود در زمينه مالياتها، ارزش افزوده بخشهاي مختلف اقتصادي و هزينه‌هـا و درآمـدهاي متوسـط خانوارها ميزان ظرفيت واقعي ماليات محاسبه شده است. با استناد به مواد قـانوني ماليـاتهـاي مستقيم و پايه‌هاي مالياتي بخشهاي مختلف مالياتي نظير ماليات بر شركتها، ماليات بـر مشـاغل، ماليات بر حقوق و ماليات بر درآمد املاک و بررسي آثار متغيرهاي مختلـف بـر درآمـدهاي مالياتي استان، نتايج حاصل نشان‌دهنده پايين بودن ميـزان مالياتهـاي وصـولي (بالفعـل) در تمامي موارد نسبت به ظرفيت واقعي مالياتها (بالقوه) در سطح استان اردبيل مي‌باشد.

واژه‌هاي كليدي: استان اردبيل، منابع مالي، مالياتها، ظرفيت بالفعـل و بـالقوه ماليـاتي، معافيتهـاي مالياتي.

۱. مقدمه

براساس اكثر نظريات متخصصان علوم اجتماعي، وجود دولت در هر جامعه‌اي امري ضروري براي برقراري نظم و امنيت و تأمين خواسته‌هاي بيشتر افراد جامعه است و با توجه به پيشرفت جوامع بشري در عصر حاضر، وظايف دولتها علاوه بر موارد ياد شده دامنه گسترده‌اي پيدا كرده است. همچنين به‌دليل پيچيدگيهاي روابط اجتماعي داخل جوامع و حتي نوع و چگونگي روابط با ساير جوامع،

* رئيس گروه اقتصادي و رئيس سازمان امور اقتصادي و دارايي استان اردبيل

۱. اين مقاله برگرفته از طرحي است تحقيقاتي با همين نام كه به سفارش معاونت امور اقتصادي وزارت امور اقتصادي و دارايي و با همكاري آقايان محمد حسين موثقي، اژدر كياني و عليرضا علوي از كارشناسان سازمان امور اقتصادي استان اردبيل انجام شده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

نقش دولتها به‌گونه‌اي مضاعف در حال افزايش است. از سوي ديگر انجام هر گونه عمل و ايفاي نقش، نيازمند امكانات لازم براي تأمين مالي است. ايفاي نقش و انجام وظايف توسط دولت نيز از اين قاعده مستثني نبوده و نيازمند امكانات و منابع مالي است. از گذشته تا كنون اصلي‌ترين منبع درآمدي حكومتها و دولتها ماليا‌تهايي بوده كه از مردم براي تأمين هزينه‌هاي دولتي دريافت مي‌شده است و ساير منابع نقش فرعي را در تأمين منابع مالي دولتها ايفا مي‌كرده است. اما در اقتصاد ايران درآمدهاي نفتي به‌عنوان اصلي‌ترين منبع درآمدي در تأمين هزينه‌هاي عمومي محسوب مي‌شود، در حالي كه نفت به‌عنوان يک سرمايه و ثروت ملي است و بايد از درآمدهاي حاصل از فروش آن در راستاي افزايش ظرفيتهاي توليدي كشور و ايجاد زيرساختها استفاده شود و براي تأمين هزينه‌هاي عمومي جامعه از ساير درآمدها به‌ويژه ماليا‌تها بهره‌گيري شود. بنابراين در اين تحقيق سعي شده است در راستاي تحقق اين امر كه «ماليا‌تها بايد به‌عنوان منبع اصلي تأمين هزينه‌هاي عمومي جامعه باشد»، با تخمين و برآورد فاصله بين ماليا‌تهاي دريافتي و ظرفيتهاي واقعي و بالقوه ماليا‌تها، گامي برداشته شود.

با توجه به اهميت ماليا‌تها به‌عنوان ابزاري براي تأمين هزينه‌هاي جاري دولت، توزيع مجدد درآمدها براي كاهش فاصله طبقاتي بين افراد و گروههاي مختلف در جامعه و اثرگذاري بر سطح كلي فعاليتهاي اقتصادي جامعه براي هدايت، نظارت و كنترل متغيرهاي كلان اقتصادي (تورم، اشتغال، سرمايه‌گذاري و نظاير آنها) به‌نظر مي‌رسد براي تصحيح و تقويت نظام ماليا‌تي موجود بايد در مرحله اول ظرفيت يا توان بالقوه ماليا‌تي هر منطقه يا استان در بخشهاي مختلف ماليا‌تي مشخص شود تا براساس آن بتوان نسبت به كارايي اين نظام و چگونگي راههاي تقويت آن بر مبناي مقايسه با وضع موجود وصولي‌ها توسط نظام ماليا‌تي (توان بالفعل) اظهارنظر و برنامه‌ريزي كرد. با توجه به بحث ياد شده موضوع تعيين ظرفيت بالقوه ماليا‌تي استان اردبيل به‌عنوان مسئله اصلي اين نوشتار مطرح است.

هدف كلي تحقيق عبارت است از تعيين ظرفيت بالقوه ماليا‌تي استان اردبيل براي تصحيح و تقويت درآمدهاي ماليا‌تي براساس ظرفيت و توان واقعي ماليات‌دهي در سطح استان. از اهداف فرعي و جزيي اين طرح مي‌توان به تعيين ظرفيت بالقوه بخشهاي مختلف ماليا‌تي نظير بخشهاي ماليات بر مشاغل، شركتها، حقوق و درآمد املاک براي رعايت عدالت ماليا‌تي بين‌بخشي وتأمين رضايت افراد و مؤسسه‌هاي پرداخت‌كننده ماليا‌تها اشاره كرد.

با توجه به موضوع تحقيق و محدوديتهايي كه در زمينه آمار و اطلاعات لازم وجود داشته، در اين تحقيق از طريق مطالعات كتابخانه‌اي و استفاده از ابزارهاي نظري و كاربردي و تكنيكهاي اقتصادسنجي (تخمين‌زننده روش حداقل مربعات معمولي) و آخرين آمار و ارقام موجود در زمينه ماليا‌تها، ارزش افزوده بخشهاي مختلف اقتصادي و هزينه‌ها و درآمدهاي متوسط خانوارها و با استناد

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

به مواد قانوني مالياتهاي مستقيم و پايه‌هاي مالياتي بخشهاي مختلف مالياتي نظير ماليات بر شركتها، ماليات بر مشاغل، ماليات برحقوق و ماليات بر درآمد املاک و بررسي آثار متغيرهاي مختلف بر درآمدهاي مالياتي استان سعي در برآورد ميزان واقعي و بالقوه مالياتي استان داشته‌ايم.

۲. شناخت اجمالي استان اردبيل

استان اردبيل در شمال فلات ايران قرار دارد كه با مساحتي حدود ۱۷۹۵۱٤ كيلومتر مربع ۱/۰۹درصد از مساحت كل كشور را تشكيل مي‌دهد. اين استان در شمال با جمهوري آذربايجان، در مشرق با استان گيلان، از جنوب با استان زنجان و از طرف غرب با استان آذربايجان شرقي همسايه است. تنها محور ارتباطي استان با مركز كشور، محور اردبيل- آستارا است كه از طريق گردنه حيران و جاده رشت و قزوين به تهران مرتبط مي‌شود.

بر اساس آخرين تقسيمات كشوري، استان اردبيل شامل شهرستانهاي اردبيل، بيله‌سوار، نمين، گرمي، پارس‌آباد، خلخال، مشكين‌شهر، نير و كوثر است كه در مجموع داراي ۹ شهرستان، ۱۹ شهر، ۲۵ بخش، ٦٦ دهستان و ۲۲۲۳ آبادي است. طبق سرشماري عمومي نفوس و مسكن در سال ۱۳۷۵ جمعيت استان اردبيل ۱۱٦۸۰۱۱ نفر بوده كه ۱/۹ درصد از جمعيت كل كشور را تشكيل مي‌دهد.

اين استان با مجموعه‌اي از مناظر زيباي طبيعي و تاريخي يكي از قطبهاي مهم گردشگري كشور محسوب مي‌شود به گونه‌اي كه بعضي از اين مناظر در جهان بي‌نظير است. وجود آثار تاريخي و باستاني متعدد، آبهاي گرم و معدني با خواص طبي گوناگون، مناظر زيباي طبيعي و سياحتي با چشم‌اندازهاي دلنواز و هواي مطبوع و خنك اين منطقه در فصول بهار و تابستان موجب مي‌شود كه هر سال گردشگران و سياحان زيادي از مناطق مختلف كشور به اين منطقه روي بياورند. وجود ۲۳ چشمه آب معدني مشهور و كوه سرسبز سبلان، مراتع زيبا و جنگلها و درياچه‌ها و مجتمعهاي آب‌درماني پيشرفته و هتلها و مهانپذيرهاي مجهز و مردمي خونگرم و مهمان‌نواز سبب شده ساليانه در حدود ۳/۵ ميليون گردشگر از نقاط مختلف ايران و جهان به اين منطقه سفر كنند.

۳. پيشنيه نظري موضوع

نقش دولت در جريانهاي اقتصادي با شتاب قابل توجهي رو به افزايش است. اين شتاب به ايجاد سازمانها، بنگاهها و دخالتهايي كه افزايش سهم دولت از درآمد ملي را در پي دارد، منتهي مي‌شود. بر همين اساس آنچه در آغاز نظر بيشتر اقتصاددانان و اهل فن را به خود معطوف داشته، مطالعه و تحقيق در نظريه‌ها و بودجه عمومي يعني درآمدها و هزينه‌هاي دولت است. زيرا دولت جدا از وظايف سنتي كه مورد پذيرش اقتصاددانان كلاسيك هم است بايد در راستاي نيل به رفاه اجتماعي

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

به مسائلي نظير تأمين اجتماعي، تخصيص منابع، توزيع عادلانه درآمد، اشتغال، حفظ سطح قيمت، رشد اقتصادي، تجارت بين‌المللي و نظاير آنها بپردازد.

به‌طور كلي چهار نظريه متفاوت براي تعيين فعاليتهاي دولت به‌طور خلاصه به اين شرح است: براساس نظريه اول دولت بايد به فعاليتهايي كه بخش خصوصي به دلايل اقتصادي و غيراقتصادي از عهده انجام آن برنمي‌آيد بپردازد، مواردي مانند امور دفاعي، حفظ امنيت و تأمين عدالت در جامعه، ايجاد مؤسسه هاي تحقيقاتي و مطالعاتي- علمي، احداث شاهراهها و سدهاي بزرگ، اجراي طرحهاي عظيم صنعتي و ساير موارد كه تمام يا بيشتر افراد جامعه از نتايج آن بهره‌مند مي‌شوند. توليدكنندگان كالا و خدمات خصوصي تا زماني به فعاليت خود ادامه مي‌دهند كه در آن منافع فردي كسب شود و به زيان و آسيبهاي اجتماعي مانند آلودگي محيط زيست اهميتي نمي‌دهند يا برعكس در مواردي‌كه توليد كالا يا خدمت معيني مثل آموزش و پرورش مورد نياز جامعه باشد اگر درآمد حاصل برابر با هزينه متوسط نباشد از فعاليت خود دست خواهند كشيد و حال آنكه منافع اجتماعي ادامه آن را ايجاب مي‌كند. به عبارت ديگر يكسري فعاليتهاي اقتصادي به علت توأم بودن با مخاطرات ياد شده براي سرمايه‌گذار خصوصي جالب نيست بنابراين دولت بايد اين خطرات را به دوش بكشد.

نظريه دوم بر اين اساس است كه دولت بايد نقش فعال‌تري داشته باشد. طرفداران اين نظريه معتقدند وظايف دولت نبايد محدود به مواردي باشد كه بخش خصوصي مايل به انجام آن نيست، بلكه دولت بايد به عنوان يك مشوق ابتكار و تحرك فكري، عامل نافذ و مؤثر در شكل مصرف بخش عمومي، وسيله توزيع مجدد درآمد و ثروت، اشتغال كامل و تأمين ثبات و رشد اقتصادي نقش فعال‌تري را به‌عهده داشته باشد. به عنوان مثال بهترين مغزهاي جامعه را جلب كند و با ايجاد تمهيدات و امكانات در تكامل استعداد جامعه با استفاده از منبع فكري آنها نقش برجسته‌اي ايفاء كند يا مصرف بعضي از كالاها را كه مصرف آنها به زيان جامعه است محدود و مصرف كالا يا فعاليتهايي كه مفيد هستند تشويق كند و با استفاده از پرداختهاي انتقالي و كمك به كاركنان يا كمك به تعدادي از فعاليتهاي توليدي و مانند آن، سطح درآمد گروهي از افراد جامعه را افزايش دهد. همچنين دولت با استفاده از سياستهاي اقتصادي موجب از بين بردن بيماريهاي اقتصادي (تورم، ركود و نظاير آنها) در جامعه شود.

نظريه سوم، نظريه سوسياليست‌ها مي‌باشد كه در آن دولت به نمايندگي از اجتماع، مالكيت و اداره صنعت را به عهده دارد و تغيير سطح قيمت و اعمال سياستهاي توليد در دست دولت است و به‌عبارتي نظام اقتصادي متمركز است. به‌عبارت ديگر تمامي اعمال اقتصادي تابع مجموعه‌اي از دستورات است كه دولت به‌عنوان يگانه مركز تصميم‌گيري به عاملان اقتصادي ابلاغ مي‌كند و اقتصاد فقط يك قطب دارد. برنامه دولت مسلط و غيرقابل فسخ است و دخالت دولت مستقيم است. در اين نظام عمل دولت در سه جهت جنبه استبدادي پيدا مي‌كند. اول، هدفهاي اقتصادي را مختصر

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

مي‌كند. دوم، وسايل رسيدن به هدف را تعيين مي‌كند و سوم، دوره زماني تحقق هدفها را تعيين مي‌كند. جبر دولت جانشين جبر بازار مي‌شود و از بازار فقط يك اسم وجود دارد. تركيب و تخصيص پيشاپيش از طريق دولت مركزي اعلام مي‌شود.

نظريه چهارم، نظريه اقتصاد اسلامي است كه كاملاً مجزا از هر سه نظريه و در حد يک برنامه كامل براي پيشرفت و توسعه افراد در بطن جامعه اسلامي است و دولت اسلامي به‌عنوان خدمتگزار و مسئول در برابر كل گروههاي جامعه مطرح است و بايد اهدافي برتر و والاتر را نظير تحكيم ارزشهاي معنوي، برپايي عدالت اجتماعي، خودكفايي و استقلال اقتصادي، رفاه عمومي و توسعه اقتصادي را در جامعه اسلامي دنبال كند.

۴. مقايسه مالياتهاي مستقيم و غير مستقيم استان اردبيل در سالهاي ۱۳۷۴تا ۱۳۸۳

براساس آمار و ارقام موجود، مالياتهاي مستقيم با مبلغ ۱۷۵۹۷ميليون ريال در سال ۱۳۷۴ با سهم ۹۹/۵ درصد از درآمدهاي مالياتي و سهم ۶۹/۲ درصد از درآمدهاي عمومي استان اردبيل به مبلغ ۱۴۶۷۷۹ميليون ريال در سال ۱۳۸۳ رسيده كه سهم آن از درآمدهاي مالياتي با ۸۴ و از درآمدهاي عمومي ۵۸/۴ درصد مي‌باشد كه از نظر سهم، سير نزولي داشته است. اما مالياتهاي غيرمستقيم با مبلغ ۸۸ ميليون ريال در سال ۱۳۷۴با سهم ۰/۵ درصد از درآمدهاي مالياتي و سهم ۰/۳ درصد از درآمدهاي عمومي به مبلغ ۲۷۹۹۵ ميليون ريال در سال ۱۳۸۳ رسيده كه سهم آن از درآمدهاي مالياتي ۱۶ درصد و از درآمدهاي عمومي ۱۱/۱ درصد مي‌باشد. به عبارت ديگر داراي روند صعودي و افزايشي بوده است.

۵. تجزيه و تحليل اجزاي مالياتها در سالهاي ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳

در ميان مالياتهاي مستقيم، ماليات بر مشاغل با متوسط سالیانه ۲۵۸۹۳ميليون ريال طي دوره ۱۰ ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ حدود ۳۱/۹۶ درصد از مجموع مالياتها و ۲۲/۷۸ درصد از كل درآمدهاي عمومي استان است كه توانسته رتبه اول را از نظر سهم درآمدهاي مالياتي و درآمدهاي عمومي به خود اختصاص دهد. لازم به توضيح است كه ماليات مشاغل به‌طور قدر مطلق توانسته رتبه اول را به خود اختصاص دهد ولي در مقايسه با ماليات بر حقوق بخش دولتي از نظر داشتن پرونده‌هاي مالياتي خيلي بيش‌از آن، از سرانه كمتري برخوردار است. به‌عنوان نمونه در سال ۱۳۸۲ سرانه مالياتي هر پرونده مشاغل حدود ۴۶۴ هزار ريال بوده در حالي كه در همين سال سرانه مالياتي هر پرونده حقوق بخش دولتي حدود۵۱۰ هزار ريال بوده است و شرايط اقتصادي و اجتماعي مشاغل دولتي هيچ‌گاه از نظر اقتصادي به اندازه مشاغل آزاد نبوده و در بسياري از موارد نيز از نظر اجتماعي و حتي فرهنگي بعضي از مشاغل آزاد در برابر مشاغل دولتي پيشتاز بوده‌اند، بنابراين با در نظر گرفتن اين موضوع

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

مي‌توان در مورد استفاده نشدن از ظرفيت واقعي ماليات مشاغل در مقايسه با ماليات بر حقوق اشخاص دولتي يقين حاصل كرد.

بعد از ماليات مشاغل، ماليات حقوق بخش عمومي طي همان دوره با متوسط سالیانه به مبلغ ۱۷۲۴۵میليون ريال و سهمي در حدود ۲۱/۱۶ درصد از مجموع درآمدهاي مالياتي و ۱۵/۲۳ درصد از كل درآمدهاي عمومي استان را به خود اختصاص داده و رتبه دوم را كسب كرده است. مالياتهاي شركتهاي غيردولتي با متوسط سالیانه به مبلغ ۱۴۵۵۴ ميليون ريال و سهم ۱۷/۸۶ درصدي از كل درآمدهاي مالياتي و سهم ۱۲/۸۶ درصدي از كل درآمدهاي عمومي توانسته رتبه سوم را به خود اختصاص دهد. ماليات حقوق كاركنان بخش خصوصي با مبلغ متوسط ۱۰ ساله ۵۹۳۷ ميليون ريال و سهم ۷/۳۳ درصد از كل مالياتها و ۵/۲۴ درصد از كل درآمدهاي عمومي رتبه چهارم، ماليات نقل و انتقال املاک و سرقفلي با مبلغ متوسط ۱۰ ساله ۵۶۶۹ ميليون ريال و سهم ۷ درصد از كل مالياتها و ۵/۰۱ درصد از كل درآمدهاي عمومي رتبه پنجم را به خود اختصاص داده‌اند. همچنين مالياتهاي نقل و انتقال اتومبيل، با ۲ درصد و ماليات ساير كالاها و خدمات، ماليات مستغلات و مانند آن در رتبه‌هاي بعدي قراردارند.

۶. بررسي روند درآمدهاي مالياتي طي سالهاي ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳

براساس آمارهاي موجود درآمدهاي مالياتي با متوسط تغيير سالیانه به ميزان ۲۷/۳۸ درصد از مبلغ ۱۷۶۸۵ ميليون ريال در سال ۱۳۷۴ به مبلغ ۱۷۴۷۷۲ ميليون ريال در سال ۱۳۸۳ رسيده است كه در تمامي اين سالها به جز سال ۱۳۸۱ كه نسبت به سال قبل حدود ۱/۴۸ درصد كاهش داشته، سير افزايشي داشته است و اين كاهش در سال ۱۳۸۱ به‌دليل اجراي قانون مالياتهاي مستقيم اصلاح شده در تاريخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، براي اولين بار بعد از تصويب بوده است.

ماليات ساير شركتهاي حقوقي غيردولتي با متوسط تغيير سالیانه به ميزان ۴۱/۹۸ درصد از مبلغ ۱۵۶۱ ميليون ريال در سال ۱۳۷۴ به مبلغ ۴۰۸۷۸ ميليون ريال در سال ۱۳۸۳ رسيده كه بيشترين تغيير (۱۳۵/۶۲ درصد) را در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۷۴ داشته است و كمترين تغيير طي دوره به ميزان ۱۶/۳۳ درصد در سال ۱۳۸۱ نسبت به سال ۱۳۸۰ است.

ماليات حقوق كاركنان بخش عمومي با متوسط تغيير سالیانه به ميزان ۳۴/۶۹ درصد از مبلغ ۳۳۳۹ ميليون ريال در سال ۱۳۷۴ به مبلغ ۳۸۵۱۳ ميليون ريال در سال ۱۳۸۳ رسيده كه بيشترين تغيير (۱۴۰درصد) را در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۷۴ داشته و كمترين تغيير به ميزان ۲۹/۶۷- درصد مربوط به سال ۱۳۸۱ نسبت به سال ۱۳۸۰ است.

ماليات مشاغل با متوسط تغيير سالیانه به ميزان ۲۰/۱۰ درصد از مبلغ ۷۷۹۱ ميليون ريال در سال ۱۳۷۴ به مبلغ ۴۲۸۰۹ ميليون ريال در سال ۱۳۸۳ رسيده كه بيشترين تغيير (۶۱/۹ درصد) را در سال

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۷۵ داشته و کمترين آن ۶/۸۷- درصد بوده که در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال ۱۳۸۲ اتفاق افتاده است.

ماليات بر حقوق کارکنان بخش خصوصي با متوسط تغيير سالیانه به ميزان ۲۷/۳۸ درصد، از مبلغ ۳۳۳۹ ميليون ريال در سال ۱۳۷۴ به مبلغ ۷۲۶۶ ميليون ريال در سال ۱۳۸۳ رسيده که بيشترين ميزان تغيير در سال ۱۳۸۰ به ميزان ۱۱۶/۲۳ درصد بوده و کمترين تغيير (کاهش) ۶۶/۳۷- درصد مربوط به سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ماقبل آن بوده است. در ضمن بعد از سال ۱۳۸۰ تا پايان سال ۱۳۸۳ به‌طور مرتب سير کاهشي داشته است و اين امر حاصل افزايش ميزان معافيت در قانون اصلاح شده مالياتهاي مستقيم در سال ۱۳۸۰ بوده است.

ماليات بر نقل و انتقال املاک توأم با حق واگذاري محل (سرقفلي) با متوسط تغيير سالیانه طي دوره به ميزان ۱۹/۵۲ درصد از مبلغ ۱۶۱۲ ميليون ريال در سال ۱۳۷۴ به مبلغ ۸۲۴۰ ميليون ريال در سال ۱۳۸۳رسيده که بيشترين تغيير مربوط به سال ۱۳۷۵ نسبت به سال قبل به ميزان ۷۶/۱۸ درصد و کمترين تغيير مربوط به سال ۱۳۸۳ نسبت به سال ۱۳۸۲ به ميزان ۹/۲- بوده است.

۷. مباني و معيارهاي برآورد ظرفيت بالقوه مالياتي استان اردبيل در سال ۱۳۸۲

با توجه به تعريف ظرفيت مالياتي (ميزان مالياتي که مردم قدرت پرداخت آن را دارند) بايد مبنايي براي محاسبه آن تعريف شود که براساس قانون مالياتهاي مستقيم، ماليات به‌عنوان درصدي (براي هر بخش نرخهاي خاصي مشخص شده که در برخي موارد نظير ماليات مشاغل اين درصد با افزايش ميزان درآمد، مشمول چند نرخي مي‌شود) از درآمد اشخاص حقيقي و حقوقي بعد از کسر معافيتها و بخشودگي خاص (درآمد مشمول ماليات) به‌عنوان مبناي محاسبه ماليات تلقي مي‌شود.

از سوي ديگر ارزش افزوده بخشهاي مختلف اقتصادي در داخل يک جامعه را مي‌توان به‌عنوان جايگزيني مطمئن، با ثابت در نظر گرفتن متغيرهايي نظير نرخ تورم براي درآمدهاي اشخاص حقيقي و حقوقي در نظر گرفت و از آنجايي که طبق قانون مالياتهاي مستقيم، مالياتها بعد از پايان دوره مالي يعني با يک وقفه يکساله محاسبه و اخذ مي‌شود، بنابراين براي واقعي‌تر بودن برآوردها از ارزش افزوده بخشهاي مختلف اقتصادي در سال ۱۳۸۱براي برآورد ماليات سال ۱۳۸۲ استفاده مي‌کنيم.

موضوع ديگري که بايد در اين برآوردها مد نظر قرار گيرد، معافيتها و بخشودگيهاي موجود در قانون مالياتهاي مستقيم است که از آن مي‌توان به بحث معافيت فعاليتهاي کشاورزي، معافيت قسمتي از درآمد اشخاص حقيقي در بحث ماليات مشاغل، حقوق و مستغلات، معافيت کالاهاي صادراتي و بعضي موارد خاص اشاره کرد که درصورت کسر اين معافيتها از ميزان ارزش افزوده ايجاد شده در بخشهاي مختلف اقتصادي مي‌توان از باقيمانده عمليات به‌عنوان درآمد مشمول ماليات استفاده لازم را به‌عمل آورد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

از آنجايي كه طي دوره ۱۰ ساله مورد بررسي در اين تحقيق (۱۳۸۳-۱۳۷۴) ماليات‌هاي مستقيم حدود بيش از ۹۱ درصد كل ماليات‌ها را تشكيل مي‌دهد، بنابراين مي‌توان با استفاده از برآورد انجام شده، ميزاني را براي ماليات‌هاي مستقيم مشخص كرد كه قابل اطمينان باشد.

مورد ديگر در بحث برآورد ظرفيت بالقوه، درنظر گرفتن بخشهايي از ماليات است كه تقريباً امكان فرار مالياتي در اين بخشها وجود ندارد و يا در صورت وجود نيز به علت كم و ناچيز بودن ميزان آن قابل اغماض است و در اين بخشها مي‌توان ماليات بالفعل (ماليات دريافتي) را برابر با ماليات بالقوه دانست، به عنوان مثال ماليات حقوق‌بگيران بخش عمومي كه بيش از پرداخت آن به صاحب درآمد، ميزان ماليات محاسبه و به حساب ماليات‌هاي خزانه واريز مي‌شود. نمونه ديگري از اين مورد، ماليات نقل و انتقال املاک كه در زمان تنظيم سند رسمي بايد گواهي پرداخت ماليات صادر شده باشد.

از ديگر معيارهايي كه بايد در اين زمينه درنظر گرفت بحث ماليات شركتهاي دولتي است كه به‌عنوان درآمد ملي محسوب شده و جزو درآمدهاي مالياتي استان نيست، نظير بخشهاي عمومي مانند آموزش و بهداشت. با توجه به اينكه ارزش افزوده حاصل از اين موارد، يا مشمول ماليات نيست يا در موارد جزيي كه مشمول است به علت ناچيز بودن، مي‌توان از آن چشم پوشي كرد، در اين كار نيز از ارزش افزوده آنها استفاده نمي‌شود.

از موارد ديگر كه براي تفكيک ميزان ارزش افزوده در بخشهاي ماليات بر شركتها و مشاغل درنظر گرفته‌ايم عبارت است از مبنا قرار دادن ميزان پرونده‌هاي مالياتي اين دو بخش كه پرونده‌هاي مالياتي شركتها حدود ۱۰ درصد كل پرونده‌هاي مشاغل و شركتها را تشكيل مي‌دهد و در اين كار ارزش افزوده اين دو بخش را براساس همان مبنا (۱۰ و۹۰ درصد) تفكيک كرديم.

مورد ديگر ميزان دريافتي حقوق‌بگيران بخش خصوصي بوده كه در اين مورد نيز از متوسط دريافتي مزد و حقوق‌بگيران كارگاههاي صنعتي داراي ۱۰ نفر كاركن و بيشتر كه داراي آمار قابل اعتماد بوده و از طريق مركز آمار ايران منتشر شده، استفاده كرديم. براي اينكه اين مورد نيز بيشتر قابل اطمينان باشد در مورد تعداد كاركنان بخش خصوصي از آمار تعداد كاركنان و حقوق‌بگيران بخش خصوصي استان در سال ۱۳۷۵كه از آمارهاي سرشماري استخراج گرديده استفاده شده است.

۸. آزمون فرضيه‌ها و تحليل نتايج حاصل

براساس آمارهاي موجود در زمينه ماليات‌هاي وصول شده طي سالهاي ۱۳۸۳-۱۳۷۴ در استان اردبيل و كشور و با توجه به آمارهاي توليد ناخالص داخلي منتشر شده براي كشور و استان، براساس رابطه مستقيم بين درآمدهاي مالياتي و توليد ناخالص داخلي از ديدگاه نظريه‌هاي اقتصاد كلان، با استفاده از فن اقتصادسنجي موسوم به روش حداقل مربعات معمولي، به برآورد شش معادله در مورد رابطه

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

بين كل درآمدهاي مالياتي و مالياتهاي مستقيم با توليد ناخالص داخلي استان و كشور اقدام كرده و در نهايت از چند معادله ياد شده نسبت به انتخاب يک معادله كه تطابق مناسب‌تري از نظر روشهاي آماري و اقتصادسنجي وضع موجود داشت، اقدام و به‌عنوان تابع مالياتي براي برآورد ظرفيت بالقوه مالياتي استفاده كرديم. حالت عمومي توابع برآوردي به اين صورت مطرح شد:

$$MMKt = c(1) + c(2) \times TKt\text{-}1 \qquad (۱)$$

$$MMOt = c(1) + c(2) \times TODt\text{-}1 \qquad (۲)$$

MMK_t و MMO_t به‌عنوان درآمد مالياتهاي مستقيم سال جاري كشور و استان به‌عنوان متغيرهاي وابسته، c(۱) عرض از مبدا تابع، c(۲) ضريب زاويه تابع و $TK_{t-۱}$ و $TOD_{t-۱}$ توليد ناخالص داخلي كشور و استان (از آمارهاي برآوردي از طريق آمارهاي متوسط درآمد خانوارها براي توليد ناخالص داخلي استان استفاده شده است) در سال گذشته سال (t-۱) است كه با استفاده از آمارهاي مربوط به سال ۱۳۸۳-۱۳۷۳ و روش اقتصادسنجي حداقل مربعات معمولي نسبت به برآورد توابع ياد شده اقدام كرديم كه نتيجه به اين شرح به‌دست آمد:

$$MMKt = \underset{(0/60354)}{2930/47640} + \underset{(24/58236)}{0/03175} \times TKt\text{-}1 \qquad (۳)$$

$$R^2 = 0/98693 \qquad DW = 1/33542 \qquad F = 604/29247$$

همان‌گونه كه مشاهده مي‌كنيم قدرت توضيح‌دهندگي مدل برآوردي ۹۸/۶۹ درصد است و ضرايب نيز از نظر آماري معني‌دار هستند. همچنين براساس آزمون دوربن- واتسون مدل داراي خودهمبستگي آماري نيست. بنابراين مي‌توان با توجه به تابع برآورد شده به اين موضوع كه مالياتهاي مستقيم با توليد ناخالص داخلي كشور داراي رابطه مثبت است، صحه گذاشت و براساس تابع ياد شده اين‌گونه تفسير كرد كه افزايش يک واحد به توليد ناخالص داخلي كشور سبب افزايش ۳۱/۷۵ درصدي درآمد مالياتهاي مستقيم كشور خواهد شد. نتيجه برآورد براساس آمارهاي استاني به اين شرح زير است:

$$MMOt = \underset{(2/05626)}{11/26651} + \underset{(13/66010)}{0/01088} \times TODt\text{-}1 \qquad (۴)$$

$$R^2 = 0/95889 \qquad DW = 1/21372 \qquad F = 186/59845$$

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

همان‌طور که مشاهده مي‌شود قدرت توضيح دهندگي مدل برآوردي ۹۵/۸ درصد است و ضرايب نيز از نظر آماري معني‌دار هستند ولي با توجه به آزمون دوربن- واتسون مشاهده مي‌شود که عدم خودهمبستگي جملات اخلال تأييد نمي‌شود، براي رفع آن به کمک روش کوکران- اورکات عمل کرده و نتايج مدل بعد از رفع خود همبستگي به اين شرح به‌دست آمد:

$$MMOt = \underset{(1/58368)}{12/07684} + \underset{(8/80440)}{0/01066} \times TODt\text{-}1 + \underset{(0/34931)}{0/20653}MA(1) \qquad (۵)$$

$$R^2 = 0/96048 \qquad DW = 1/52429 \qquad F = 85/05970$$

حال با توجه به نتايج به‌دست آمده مشاهده مي‌شود که خودهمبستگي جملات اخلال، رفع شده و ضريب به‌دست آمده براي متغير مستقل از نظر آماري معني‌داري و قابل اطمينان است و قدرت توضيح‌دهندگي مدل نيز باتوجه R^2=۰/۹۶ کاملاً مناسب است. بنابراين مي‌توان با توجه به تابع برآورد شده، اين موضوع که مالياتهاي مستقيم استان با توليد ناخالص داخلي استان داراي رابطه مثبت است، قبول کرد و براساس تابع ياد شده مي‌توان اين‌گونه تفسير کرد که افزايش يک واحد به توليد ناخالص داخلي استان سبب افزايش ۱۰/۶۶درصدي درآمد مالياتهاي مستقيم استان مي‌شود.

۹. برآورد ظرفيت مالياتي بالقوه استان اردبيل در سال ۱۳۸۲

با توجه به توضيحات ارائه شده در صورتي که ما به جز از بخشهاي ماليات مشاغل، شرکتهاي غيردولتي، حقوق بخش خصوصي و مستغلات، ماليات بالفعل ساير بخشها را همان ماليات بالقوه درنظر بگيريم و از امکان فرارهاي مالياتي در اين بخشها چشم‌پوشي کنيم، بنابراين مشاهده مي‌کنيم که کل ظرفيت مالياتي واقعي در بخش مالياتهاي مستقيم برابر ۳۰۴۳۰۳ ميليون ريال است که در مقايسه با ماليات وصول شده در اين قسمت (ماليات بالفعل) به ميزان ۱۲۷۱۰۰ ميليون ريال بيشتر است. فاصله بين ظرفيت بالقوه با ظرفيت بالفعل کاملاً مشهود و آشکار بوده و نسبت ماليات بالقوه به ماليات بالفعل در استان اردبيل در سال ۱۳۸۲ براي مالياتهاي مستقيم حدود ۴۱/۷۶ درصد مي‌باشد.که اين رقم نشان‌دهنده استفاده بهينه نکردن از ظرفيتهاي مالياتي در استان است. از اين‌رو فرضيه اصلي اين تحقيق «ظرفيت بالقوه مالياتي بيش از وصول ماليات است» با توجه به اين نتيجه و نتايج به‌دست آمده از برآورد توابع مالياتي استان و کشور به وسيله روش اقتصادسنجي حداقل مربعات معمولي مورد تأييد قرار مي‌گيرد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

۱۰. برآورد ظرفيت بالقوه ماليات بر شركتهاي استان اردبيل در سال ۱۳۸۲

اين ميزان با توجه به معيارها و مباني درنظرگرفته شده طبق آنچه پيشتر توضيح داده شد و با توجه به ارزش افزوده بخشهاي مختلف كه با موضوع ماليات بر شركتهاي غيردولتي و مشاغل در استان مرتبط هستند، در مجموع ۳۵۰۹/۴ ميليارد ريال است (ارزش افزوده معدن به ميزان ۱۳/۱ ميليارد ريال، صنعت به ميزان ۷۵۷/۷ ميليارد ريال، ساختمان به ميزان ۷۰۷/۹ ميليارد ريال، عمده‌فروشي، خرده فروشي، تعمير وسايل نقليه و كالاها به ميزان ۱۸۵۷/۳ ميليارد ريال و هتل و رستوران به ميزان ۱۷۳/۴ ميليارد ريال). ميزان ماليات بالقوه شركتهاي غيردولتي در استان به اين شرح محاسبه مي‌شود:

ارزش افزوده كل مشاغل و شركتها بدون صادرات= ميزان صادرات- ارزش كل مشاغل و شركتها در سال ۱۳۸۱ ۳۵۰۹۴۰۰۰۰۰ -۲۱۰۹۰۵۹۱۷۰۰۰ = ۳۲۹۸۴۴۰۸۳۰۰۰

ارزش افزوده بخش شركتها در سال ۱۳۸۱ (به ريال) ۳۲۹۸۴۹۴۰۸۳۰۰۰ * %۱۰ =۳۲۹۸۴۹۴۰۸۳۰۰

۳۲۹۸۴۹۴۰۸۳۰۰ * %۲۵ = ۸۲۴۶۲۳۵۲۰۷۵

ماليات وصولي شركتهاي غيردولتي در سال ۱۳۸۲ : ۲۸۱۴۱ ميليون ريال

نسبت ماليات بالفعل به ماليات بالقوه شركتها در سال

(۲۸۱۴۱۰۰۰۰۰۰ /۸۲۴۶۲۳۵۲۰۷۵) * %۱۰۰ = ۳۴/۱۳۸۲۱۲

باتوجه به محاسبات انجام شده در مورد ظرفيت بالقوه ماليات بر شركتها در سال ۱۳۸۲ كاملاً اين فرضيه فرعي كه «ظرفيت بالفعل ماليات بر شركتها در مقايسه با ظرفيت بالقوه آن كمتر است» مورد تأييد قرار مي‌گيرد.

۱۱. برآورد ظرفيت بالقوه مالياتي مشاغل براي استان اردبيل در سال ۱۳۸۲

با توجه به آنچه در بخش پيشين در برآورد ماليات بر شركتها توضيح داده شده، ظرفيت ماليات بالقوه مشاغل سال ۱۳۸۲ در استان اردبيل به اين شرح محاسبه مي‌شود:

ارزش افزوده بخش مشاغل = %۹۰ * ارزش افزوده كل بخشهاي مرتبط با مشاغل وشركتها

۳۲۹۸۴۹۴۰۸۳۰۰ * %۹۰ = ۲۹۶۸۶۴۴۶۷۴۷۰۰

ميزان درآمد هر پرونده مالياتي مشاغل به ريال = تعدادپرونده‌هاي مشاغل استان اردبيل / ارزش افزوده بخش مشاغل ۲۹۶۸۶۴۴۶۴۷۰۰ / ۱۰۶۵۲۷ = ۲۷۸۶۷۵۳۳

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

درآمد مشمول مالیات هر پرونده به ریال = معافیت مالیاتي درآمد مشاغل- درآمد هر پرونده مالیاتي
۲۷۸۶۷۵۳۳ - ۱۹۲۰۰۰۰۰ = ۸۶۶۷۵۳۳

سرانه مالیات هر پرونده به ریال = نرخ مالیاتي ماده ۱۳۱ قانون مالیاتهاي مستقیم * درآمد مشمول مالیات هر پرونده
۸۶۶۷۵۳۳ * ۱۵% = ۱۳۰۰۱۳۰

مالیات بالقوه مشاغل در سال ۱۳۸۲ استان اردبیل به ریال = تعداد پرونده‌هاي مالیاتي مشاغل * مالیات هر پرونده
۱۳۰۰۱۳۰ * ۱۰۶۵۲۷ = ۱۳۸۴۹۸۹۴۸۵۱۰

نسبت مالیات بالقوه مشاغل به مالیات بالفعل (درصد) = ۱۰۰* (مالیات بالقوه استان / مالیات وصولي مشاغل)
۳۳/۱۶ = ۱۰۰ * (۱۳۸۴۹۸۹۴۸۵۱۰ / ۴۵۹۲۴۰۰۰۰۰۰)

با توجه به محاسبات انجام شده در مورد ظرفیت بالقوه مالیات بر مشاغل در سال ۱۳۸۲، کاملاً این فرضیه فرعي که «ظرفیت بالفعل مالیات برمشاغل در مقایسه با ظرفیت بالقوه آن کمتر است» مورد تأیید قرار مي‌گیرد.

۱۲. برآورد ظرفیت بالقوه مالیاتي حقوق بخش خصوصي براي استان اردبیل در سال ۱۳۸۲
تعدادکارکنان مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصي استان در سال ۱۳۷۵: ۴۹۲۳۴ نفر
متوسط دریافتي در سال ۱۳۸۲ (محاسبه شده براساس اطلاعات جبران خدمات مزد و حقوق‌بگیران کارگاههاي صنعتي داراي ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در سال ۱۳۸۲: ۳۰۹۱۵۴۲۱ ریال

میزان درآمد مشمول هر نفر = (معافیت ماده ۸۴ قانون مالیاتهاي مستقیم + معافیت بند ۱۰ و ۱۳ ماده ۹۱ قانون مالیاتهاي مستقیم) – درآمد هر شخص
۳۰۹۱۵۴۲۱ - (۴۸۰۰۰۰۰ + ۱۹۲۰۰۰۰۰) = ۶۹۱۵۴۲۱

ظرفیت مالیاتي بالقوه بخش حقوق خصوصي = تعدادکارکنان * مالیات هر نفر = نرخ مالیات حقوق * درآمد مشمول هر فرد
۶۹۱۵۴۲۱ * ۱۰% = ۶۹۱۵۴۲ * ۴۹۲۳۴ = ۳۴۰۴۷۳۷۸۸۲۸

نسبت مالیات بالقوه حقوق بخش خصوصي به مالیات بالفعل (درصد) = ۱۰۰* (مالیات بالقوه استان / مالیات وصولي مشاغل)
۲۶/۹۴ = ۱۰۰ * (۳۴۰۴۷۳۷۸۸۲۸ / ۹۱۷۱۰۰۰۰۰۰)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

با توجه به محاسبات انجام شده در مورد ظرفيت بالقوه ماليات بر حقوق در سال ۱۳۸۲ كاملاً اين فرضيه فرعي كه «ظرفيت بالفعل ماليات بر حقوق در مقايسه با ظرفيت بالقوه آن كمتر است» مورد تأييد قرار مي‌گيرد.

۱۳. برآورد ظرفيت بالقوه مالياتي مستغلات استان اردبيل در سال ۱۳۸۲

ارزش افزوده مستغلات در سال ۱۳۸۱ استان اردبيل: ۷۹۲۰۰ ريال ميليون

درآمد مشمول هر پرونده مستغل = ۷۵درصد * درآمد هر پرونده = تعداد پرونده‌هاي مستغلات / ارزش افزوده مستغلات ۲۱۲۱۷۳۲ = ۷۵% * ۲۸۲۸۹۷۶ = ۲۷۹۹۶ / ۷۹۲۰۰۰۰۰۰۰

ماليات بالقوه مستغلات در سال ۱۳۸۲ = تعدادپرونده مستغلات * ماليات هرپرونده = نرخ مالياتي * درآمد مشمول هر پرونده مستغل ۸۹۱۰۰۰۶۹۶۰ = ۲۷۹۹۶ * ۳۱۸۲۶۰ = ۱۵% * ۲۱۲۱۷۳۲

نسبت ماليات بالقوه مستغلات به ماليات بالفعل (درصد) = ۱۰۰* (ماليات بالقوه مستغلات استان / ماليات وصولي مستغلات) ۳۹/۰۵ = ۱۰۰ * (۳۴۷۹۰۰۰۰۰۰ / ۸۹۱۰۰۰۶۹۶۰)

با توجه به محاسبات انجام شده در مورد ظرفيت بالقوه ماليات بر مستغلات در سال ۱۳۸۲ كاملاً اين فرضيه فرعي كه «ظرفيت بالفعل ماليات بر درآمد املاک در مقايسه با ظرفيت بالقوه آن كمتر است» مورد تأييد قرار مي‌گيرد.

۱۴. جمع‌بندي و نتيجه‌گيري

استان اردبيل به‌عنوان يكي از مناطق كشور به‌رغم دارا بودن امكانات بسيار گسترده طبيعي و خدادادي در زمينه‌هاي مختلفي نظير كشاورزي، گردشگري، معادن و مانند آن به دلايل متعددي مانند توسعه نيافتگي صنعتي استان، نبود يا كمبود امكانات زيربنايي و صنايع مادر (راههاي مواصلاتي زميني نامناسب، نبود راه‌آهن، محدويت حمل ونقل هوايي، كمبود صنايع مهم از نظر ايجاد اشتغال و ميزان محصول توليدي) در استان و در پي آن پيشرفت نكردن در بخش فعاليتهاي صنعتي و توليدي و وابستگي شديد اقتصاد استان به بخش كشاورزي كه در سالهاي گذشته نيز كمتر مورد توجه واقع شده و گسترش ناهمگون بخش خدمات، ناشناخته ماندن اين منطقه براي گردشگران و سرمايه‌گذاران داخلي و خارجي، فرار سرمايه‌هاي محدود انساني و مادي به‌دليل نبود يا كمبود امكانات و نظاير آنها به يک منطقه محروم با يک اقتصاد سنتي كم بازده (كه خود نيز موجب تشديد و تكميل اين چرخه محروميت مي‌شود) تبديل شده است، به‌گونه‌اي كه اين استان از

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

نظر تأمين هزينه‌هاي جاري كاملاً وابسته به درآمدهاي نفتي بوده و درآمدهاي عمومي اين استان در بهترين حالت در سال ۱۳۸۰ توانسته به ميزان ۲۶/۰۵ درصد از هزينه‌هاي جاري استان را پوشش دهد و در بقيه سالهاي دوره ۱۰ ساله ۱۳۸۲-۱۳۷۳ كمتر از اين ميزان بوده است.

سرانه مالياتي در استان در سال ۱۳۸۰ حدود ۹۰۷۵۰ ريال بوده كه برابر با ۵۲ درصد سرانه مالياتي كشور است و در سال ۱۳۸۱ اين رقم به‌رغم افزايش به مبلغ ۹۴۶۸۵ ريال از نظر مقايسه با سرانه كشوري حدود ۵۰ درصد آن است و نشان‌دهنده كم بودن كوشش مالياتي در استان نسبت به كل كشور است.

نسبت ماليات به توليد ناخالص داخلي استان در سال ۱۳۸۰ برابر با ۱/۳۹ درصد است كه در بين استانها، استان اردبيل رتبه ۲۱ را كسب كرده و در سال ۱۳۸۱ اين رقم به ۱/۱ درصد كاهش، ولي از نظر رتبه‌بندي همان رتبه قبلي را به دست آورده است كه اين نسبت براي كشور در سال ۱۳۸۰ حدود ۱/۵۳ درصد و در سال ۱۳۸۱ حدود ۱/۳ درصد است. سهم مالياتهاي مستقيم از كل مالياتهاي دريافتي طي دوره ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ از ۹۹/۵ درصد به ۸۴ درصد كاهش و سهم مالياتهاي غيرمستقيم در طي همين دوره از ۰/۵ درصد به ۱۶ درصد افزايش يافته است.

سهم اجزاي مالياتها از كل مالياتهاي دريافتي در دوره ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ به اين شرح است: ماليات مشاغل با سهم ۳۱/۹۶ درصد، ماليات بر حقوق بخش عمومي (دولتي) با سهم ۲۱/۱۶ درصد، ماليات بر شركتهاي غيردولتي با سهم ۱۷/۸۶ درصد، ماليات بر حقوق بخش خصوصي با سهم ۷/۳۳ درصد، ماليات بر نقل و انتقال املاک توأم با سرقفلي با سهم ۷ درصد و ساير مالياتها ۱۴/۶۹ درصد است. همچنين تغييرات مالياتها در دوره ۱۰ ساله ياد شده سير صعودي داشته و متوسط تغيير ماليات بر شركتها با ۴۱/۹۸ درصد، ماليات بر حقوق بخش عمومي با ۳۴/۶۹ درصد، ماليات بر مشاغل با ۲۰/۱۰ درصد، ماليات بر نقل و انتقال املاک توأم با سرقفلي با ۱۹/۵۲ درصد بوده است.

با توجه به برآورد تابع مالياتي (ماليات مستقيم را به‌عنوان تابعي از توليد ناخالص داخلي درنظرگرفته‌ايم) براساس آمارهاي موجود براي استان و براي كشور ضريب تابع براي استان نشان‌دهنده تغيير حدود ۱/۱ درصدي و براي كشور تغيير حدود ۳/۲ درصدي است يا به‌عبارتي ديگر از هر واحد افزايش در توليد ناخالص داخلي استان، حدود ۱/۱ درصد آن به مالياتي مستقيم تبديل مي‌شود و اين تبديل براي كشور ۳/۲ درصد است.

براساس ارزش افزوده بخشهاي مختلف اقتصادي در سال ۱۳۸۲ و با استفاده از متغيرهاي مختلف تأثيرگذار در وصول ماليات، ظرفيت بالقوه مالياتهاي مستقيم به مبلغ ۳۰۴۳۰۳ ميليون ريال برآورد شده است در حالي كه ماليات وصولي در اين بخش در همين سال به مبلغ ۱۲۷۱۰۰ ميليون ريال بوده و نسبت ماليات بالفعل به ظرفيت بالقوه آن برابر با ۴۱/۷۶ درصد است. ظرفيت بالقوه ماليات بر شركتها، مشاغل، حقوق بخش خصوصي و ماليات بر مستغلات در سال ۱۳۸۲به ترتيب

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

۷۰۰۳۸، ۱۳۸۴۹۹، ۳۴۰۴۸، ۸۹۲۰ ميليون ريال بوده، در حالي كه ماليات بالفعل اين بخشها در همان سال به‌ترتيب ۲۸۱۴۱، ۴۵۹۲۴، ۳۴۰۴۸ و ۳۴۷۹ ميليون ريال بوده است و نسبت ماليات بالفعل به ظرفيت بالقوه برآوردي به‌ترتيب برابر با ۳۴/۱۲، ۳۳/۱۶، ۲۶/۹۴ و ۳۹/۰۵ درصد است.

باتوجه به مواردياد شده به‌عنوان مهم‌ترين يافته‌هاي تحقيق حاضر مي‌توان اين نتيجه كلي را گرفت كه فاصله بين ظرفيتهاي واقعي مالياتها با مالياتهاي وصول شده در سطح استان قابل توجه بوده است. از دلايل اين امر مي‌توان به موارد ذيل اشاره كرد:

الف- يكي از دلايل مهم اين امر سنتي بودن ساختار اقتصادي استان است كه به‌طور عمده‌اي به بخش كشاورزي و نيز دولتي وابسته است. با اين توضيح كه بيشترين فعاليتهاي اقتصادي در سطح استان در مقياس كوچک و محدود و توسط اشخاص حقيقي انجام مي‌پذيرد و همين موضوع باعث نگهداري نكردن دفاتر قانوني و استفاده نكردن از ماشينهاي محاسب توسط اين اشخاص در كسب وكار شده است كه اين امر نااطميناني موضوع تشخيص درآمد توسط مأموران مالياتي و در نهايت تشخيص علي‌الرأس توسط آنان را به همراه داشته و امكان اعتراض و خودداري پرداخت‌كننده ماليات براي ماليات تشخيصي را به وجود مي‌آورد و در نتيجه فرار مالياتي افزايش پيدا مي‌كند. همچنين زماني كه فعاليتهاي بخش كشاورزي به دلايل طبيعي نظير خشكسالي، سرمازدگي و نظاير آنها در ركود قرار مي‌گيرد يا اعمال سياستهاي انقباضي در بخش دولتي تأثير بسيار زيادي بر بخشهاي اقتصادي ماليات‌دِه استان و در پي آن بر درآمدهاي مالياتي مي‌گذارد و نيز اين موضوع كه نياز به تعديلهاي نسبتاً قابل‌توجهي در سالهاي مختلف توسط دستگاه مالياتي در مالياتهاي اشخاص وجود دارد، به‌دليل پيامدهاي بيروني و كمبود امكانات درون دستگاهي بخش ماليات غيرقابل انجام است كه در نهايت موجب كاهش وصوليهاي ماليات نسبت به ظرفيت واقعي مي‌شود.

ب- پايين بودن بهره‌وري و ناكارآمدي نظام وصول مالياتها كه حاصل عوامل مختلفي نظير نبود وجود نظام جامع جمع‌آوري اطلاعات، كمبود نيروي انساني متخصص در زمينه حسابداري و حسابرسي، نبودِ انگيزه قوي و مؤثر در كاركنان مالياتي به‌دليل مسائل اداري و معيشتي، نبود همكاري مناسب ساير نهادها و دستگاههاي دولتي با دستگاه مالياتي، جامع نبودن قوانين و مقررات مالياتي از نظر قانون و مقررات و ضمانت اجرايي آن، رعايت نكردن اصول مالياتي مانند عدالت مالياتي در ميان بخشهاي مختلف اقتصادي نظير صنعت، كشاورزي و خدمات و داخل بخشهاي مالياتي، تأكيد و تأمين درآمدهاي مالياتي از طريق مالياتهاي سهل‌الوصول، ناشناخته و مبهم بودن تأثير مالياتها در جامعه براي مردم و نظاير آنهاست.

ج- از دلايل ديگري كه به‌نوعي خود نتيجه دو دليل قبلي هستند مي‌توان به پايين بودن فرهنگ مالياتي در سطح جامعه و وجود انگيزه‌هاي بسيار قوي و مؤثر براي فرار از ماليات توسط فعالان اقتصادي اشاره كرد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

بنابراين با توجه به نتيجه كلي ياد شده و دلايل آن مي‌توان نتايج تفضيلي را به‌صورت زير خلاصه كرد:

- به‌غير از ماليات‌هاي مشخص و سهل‌الوصول نظير ماليات بر حقوق كاركنان بخش عمومي (دولتي) ، ماليات بر نقل و انتقال املاک، ماليات‌هاي غيرمستقيم و موارد مشابه، ساير ماليات‌هايي كه نياز به تشخيص توسط دستگاه مالياتي وجود دارد در بيشتر موارد ميزان تحقق يافته به‌صورت قابل توجهي كمتر از ميزان واقعي آنهاست.
- ميزان ماليات وصولي در بخش مشاغل نسبت به ظرفيت واقعي آن به‌طور قابل توجهي پايين است، به طوري كه نسبت برآوردي براي سال ۱۳۸۲ حدود ۳۳ درصد است.
- ميزان ماليات وصولي در بخش شركتها نسبت به ظرفيت واقعي آن به‌طور قابل توجهي پايين است، به طوري كه نسبت برآوردي براي سال ۱۳۸۲ حدود ۳۴ درصد است.
- ميزان وصولي ماليات در بخش حقوق بخش خصوصي نسبت به ظرفيت واقعي آن به‌طور قابل توجهي پايين است، به طوري كه نسبت برآوردي براي سال ۱۳۸۲ حدود ۲۷ درصد است.

ميزان ماليات وصولي در بخش مستغلات نسبت به ظرفيت واقعي آن به‌طور قابل توجهي پايين است، به طوري كه نسبت برآوردي براي سال ۱۳۸۲ حدود ۳۹ درصد است.

۱۵. پيشنهادها

با توجه به نتايج به‌دست آمده، موارد زير پيشهاد مي‌شود:

- توجه و اهتمام هر چه بيشتر مسئولان استاني در راستاي افزايش امكانات زيربنايي و توسعه صنعتي استان.
- تدوين و تعبيه يک نظام اطلاعات و خدمات مالياتي دقيق و منسجم براي وصول ماليات‌هاي واقعي بخشهاي مختلف مالياتي.
- مكلف و ملزم كردن دستگاههاي دولتي به همكاري با دستگاه مالياتي براي شناسايي مشمولان مالياتي.
- بالا بردن بهره‌وري و كارايي كاركنان دستگاه وصول‌كننده درآمدهاي مالياتي از طريق ارائه آموزش، ايجاد انگيزه كاري با استفاده از مشوقهاي مادي و غيرمادي و ارزيابي و نظارت دقيق بر عملكرد آنها.
- كاهش و حذف معافيتهاي غيرمنطقي نظير معافيتهاي بخش كشاورزي و فعاليتهاي وابسته، ماشين‌آلات سنگين مانند ماشين‌آلات راه‌سازي، معدني و كشاورزي بر اين اساس كه سودآوري بسياري از اين فعاليتها و ماشين‌آلات بالا بوده و بهره‌مندي بسياري از اين موارد از خدمات و كالاهاي عمومي بيشتر از سايرين است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

- ساده‌كردن و برطرف كردن نقايص و ابهامات موجود در قوانين و مقررات به منظور جلوگيري از هرگونه ابهام و سودجويي.
- حذف مالياتهاي ناكارا با اين توضيح كه در اصول مالياتها بحث تحليل هزينه جمع‌آوري مالياتها را داريم، در صورتي كه بعضي از مالياتها در تحليل هزينه جمع‌آوري و آثاري كه در جامعه از خود برجا مي‌گذارند، داراي توجيه اقتصادي نيستند.
- تأكيد بر اجراي ماده ۹۵ قانون مالياتهاي مستقيم مبني بر تحرير و نگهداري دفاتر حسابداري و هزينه و درآمد توسط صاحبان مشاغل.
- رعايت اصول مالياتي نظير عدالت مالياتي در ميان بخشهاي مختلف اقتصادي مانند صنعت، كشاورزي و خدمات، همچنين در درون بخشهاي مالياتي (ماليات بر شركتها، ماليات بر مشاغل، ماليات بر حقوق و نظاير آنها) به منظور تصحيح و تقويت نظام مالياتي.
- تلاش براي تأمين هر چه بيشتر رضايت ارباب رجوع به‌عنوان پرداخت‌كنندگان مالياتها.
- فرهنگ‌سازي و افزايش فرهنگ عامه مردم در زمينه مالياتها و شفاف‌سازي مصارف درآمدهاي مالياتي براي تقويت آن.
- بررسي دوره‌اي تمامي ساز وكارهاي درگير در مسئله درآمدهاي مالياتي و ارزيابي و آسيب‌شناسي مستمر آنها براي دستيابي به راهكارهاي جديد و پويا كردن مسئله.

منابع

احمدي، دونچالي محمود (۱۳۷۶)، «ساختار مالياتي ايران و رشد و توسعه اقتصادي»، سازمان برنامه و بودجه استان مازندران.

اشجع، بهزاد (۱۳۷۸)، «تحليل و بررسي درآمدهاي استاني در استان اردبيل و مقايسه آن با سطح كشور»، سازمان برنامه و بودجه استان اردبيل.

بخشي دستجردي، رسول (۱۳۷۸)، «برآورد ظرفيت مالياتي استان اصفهان همراه با مقايسه تطبيقي بين ظرفيت برآوردشده وكوشش مالياتي»، پايان‌نامه كارشناسي ارشد، دانشكده اقتصاد دانشگاه تهران.

برانسون، ويليام. اچ (۱۳۷۲)، *اقتصاد كلان جلد ۱ و ۲*، ترجمه عباس شاكري، تهران: نشر ني.

پژويان، جمشيد (۱۳۸۱)، *اقتصاد بخش عمومي (هزينه‌هاي دولت)*، اصفهان: انتشارات جنگل.

پورمقيم، سيدجواد (۱۳۸۲)، *اقتصاد بخش عمومي*، تهران: نشر ني.

جعفري‌صميمي، احمد (۱۳۷۱)، *اقتصاد بخش عمومي* (۲)، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاهها (سمت).

درخشان، مسعود (۱۳۷۴)، *اقتصادسنجي*، جلد ۱ و ۲، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاهها (سمت).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]

دلاور، علي (۱۳۸۳)، *مباني نظري و عملي پژوهش در علوم انساني و اجتماعي*، تهران: انتشارات رشد.
رحماني، تيمور (۱۳۸۰)، *اقتصاد كلان، جلد ۱ و ۲*، انتشارات برادران.
سازمان امور مالياتي كشور، قانون تجميع عوارض مصوب ۱۳۸۱.
سازمان امور مالياتي كشور، قانون مالياتهاي مستقيم مصوب ۱۳۸۰.
سازمان مديريت و برنامه‌ريزي استان اردبيل (۱۳۸۱)، «برنامه سوم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي استان اردبيل (۱۳۸۳ -۱۳۷۹)»
سازمان مديريت و برنامه‌ريزي استان اردبيل (۱۳۸۲)، «بررسي وضع امور عمومي، اقتصادي، اجتماعي و زيربنايي استان اردبيل: شاخص و رتبه‌هاي شهرستانهاي استان در سه سال اول برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۰)».
سازمان مديريت و برنامه‌ريزي استان اردبيل، «گزارش اقتصادي- اجتماعي استان اردبيل»، سالهاي ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲.
سازمان مديريت و برنامه‌ريزي استان اردبيل، سالنامه‌هاي آماري استان اردبيل، سالهاي مختلف.
سازمان مديريت و برنامه‌ريزي كشور (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، قانون برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران.
سازمان مديريت و برنامه‌ريزي كشور، پيوست شماره ۲ قانون بودجه كل كشور، مصوب مجلس شوراي اسلامي، سالهاي مختلف.
شمس‌پور، علي اكبر (۱۳۷۸)، «بررسي درآمدهاي استان سمنان»، سازمان برنامه و بودجه استان سمنان.
شهشاني، احمد (۱۳۵۷)، *الگوي اقتصاد سنجي ايران و كاربردهاي آن*، انتشارات دانشگاه تهران.
عالمي رستمي، بيژن و محمد دودانگي (۱۳۷۶)، «درآمدهاي مالياتي مازندران با نگاهي به قوانين مالياتي»، سازمان برنامه و بودجه استان مازندران.
عليپور ساجدي، محمد علي و حسنيه شهنازي (۱۳۷۸)، «تحليل درآمدهاي عمومي استان آذربايجان شرقي در سالهاي ۱۳۶۵- ۱۳۷۵ و بررسي زمينه‌هاي افزايش آن»، سازمان برنامه و بودجه استان آذربايجان شرقي.
فرزبد، جعفر و منصور ملايي پور (۱۳۸۱)، «بررسي منابع جديد درآمدي استان خراسان»، معاونت امور اقتصادي، سازمان امور اقتصادي و دارايي استان خراسان.
فهيم‌يحيايي، فريبا (۱۳۷۰)، «برآورد ظرفيت مالياتي كشور»، پايان‌نامه كارشناسي‌ارشد، دانشكده اقتصاد دانشگاه تهران.
كردبچه، محمد (۱۳۶۴)، «نسبت مالياتي، ظرفيت مالياتي وكوشش مالياتي»، سازمان برنامه و بودجه، دفتر اقتصاد كلان، سازمان برنامه و بودجه.
گجراتي، دامودار (۱۳۷۲)، *مباني اقتصاد سنجي، جلد ۱ و ۲*، ترجمه حميد ابريشمي، انتشارات دانشگاه تهران.
نوراللهي، حكمت (۱۳۸۴)، «بررسي منابع درآمدي استان براي كشف منابع جديد درآمدها و راههاي وصول آن»، سازمان مديريت و برنامه‌ريزي استان اردبيل.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-12]